

نقش یادگیری اجتماعی و عاطفی در کاهش رفتارهای انحرافی در دانش‌آموزان

اعظم بابازاده^۱، نازیده شهپازی گیگلو^۲، فریبا عینی زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۷ مرداد ماه ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۷ شهریورماه ۱۴۰۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش یادگیری اجتماعی و عاطفی در کاهش رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان دوره متوسطه انجام شده است. این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان پارس‌آباد در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ بود که بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، ۳۰۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه یادگیری اجتماعی و عاطفی مبتنی بر چارچوب CASEL و پرسشنامه رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان بود. روایی ابزارها با استفاده از نظر متخصصان حوزه آموزش و روان‌شناسی تأیید و پایایی آن‌ها با ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷۵ محاسبه شد. داده‌ها با بهره‌گیری از آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین تمامی مؤلفه‌های یادگیری اجتماعی و عاطفی شامل خودآگاهی، خودتنظیمی، مهارت‌های اجتماعی، آگاهی اجتماعی و تصمیم‌گیری مسئولانه با رفتارهای انحرافی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های رگرسیون حاکی از آن بود که یادگیری اجتماعی و عاطفی قادر است بخش قابل‌توجهی از واریانس رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان را تبیین کند که در این میان، مهارت‌های اجتماعی بیشترین نقش را در کاهش این رفتارها ایفا می‌کنند. در مجموع، نتایج پژوهش بر اهمیت طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی مبتنی بر یادگیری اجتماعی و عاطفی در مدارس به‌منظور پیشگیری و کاهش رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان تأکید دارد.

واژگان کلیدی: یادگیری اجتماعی و عاطفی، رفتارهای انحرافی، دانش‌آموزان، پیشگیری رفتاری

^۱ گروه آموزش ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، پارس‌آباد، ایران

^۲ گروه آموزش ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، پارس‌آباد، ایران

^۳ گروه آموزش متوسطه، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، پارس‌آباد، ایران

۱- مقدمه

در دنیای امروز، مشکلات مربوط به رفتارهای انحرافی در دانش‌آموزان به یکی از دغدغه‌های مهم مدارس و نظام آموزشی تبدیل شده است. رفتارهای انحرافی نظیر خشونت، ترک تحصیل، دزدی، و استفاده از مواد مخدر در میان نوجوانان و جوانان، نه تنها تهدیدی برای سلامت روانی و اجتماعی آنها محسوب می‌شود، بلکه اثرات منفی زیادی بر جامعه به‌طور کلی به جای می‌گذارد. این مسئله به‌ویژه در دوران نوجوانی و در میان دانش‌آموزان مدارس، که در مرحله حساس رشد اجتماعی و عاطفی قرار دارند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

در این زمینه، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که یکی از عوامل کلیدی که می‌تواند به کاهش این نوع رفتارها کمک کند، «یادگیری اجتماعی و عاطفی» است. یادگیری اجتماعی و عاطفی به فرآیندی اشاره دارد که در آن افراد مهارت‌های لازم برای شناخت و مدیریت احساسات خود، ارتباط مؤثر با دیگران، و اتخاذ تصمیمات درست در موقعیت‌های مختلف را می‌آموزند. در واقع، این نوع یادگیری نه تنها به بهبود روابط فردی و اجتماعی کمک می‌کند، بلکه موجب رشد اخلاقی و مسئولیت‌پذیری افراد نیز می‌شود (Kaufman, 2020).

یادگیری اجتماعی و عاطفی به‌ویژه در زمینه‌های آموزشی می‌تواند به عنوان یک ابزار مؤثر در کاهش رفتارهای انحرافی در دانش‌آموزان عمل کند. برنامه‌های آموزشی که بر اساس این رویکرد طراحی شده‌اند، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا مهارت‌های اجتماعی و عاطفی خود را تقویت کرده و رفتارهای منفی را کاهش دهند. این مهارت‌ها شامل خودآگاهی، خودتنظیمی، مهارت‌های اجتماعی، تصمیم‌گیری آگاهانه و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است (Jones et al., 2017). به عبارت دیگر، افزایش این مهارت‌ها می‌تواند نقش مهمی در هدایت دانش‌آموزان به سمت رفتارهای مثبت و کاهش رفتارهای انحرافی ایفا کند. با توجه به اینکه مدارس و معلمان به‌طور روزانه با دانش‌آموزانی که با چالش‌های اجتماعی و عاطفی دست و پنجه نرم می‌کنند، مواجه هستند، تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که برنامه‌های یادگیری اجتماعی و عاطفی می‌تواند در راستای کاهش مشکلات رفتاری این دانش‌آموزان و بهبود کیفیت زندگی آنها موثر باشد (Elias et al., 2015).

در این تحقیق، قصد داریم به بررسی نقش یادگیری اجتماعی و عاطفی در کاهش رفتارهای انحرافی در دانش‌آموزان پرداخته و به بررسی اثرات آن در کاهش مشکلات رفتاری بپردازیم. همچنین، مدل‌های مفهومی موجود در این حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرند تا مبنای علمی این تحقیق شکل گیرد.

۲- چهارچوب نظری

تعریف یادگیری اجتماعی و عاطفی: یادگیری اجتماعی و عاطفی یک فرآیند توسعه‌ای است که شامل به‌دست آوردن و استفاده از مهارت‌های اجتماعی و عاطفی برای شناخت و مدیریت احساسات، برقراری روابط مثبت با دیگران، و اتخاذ تصمیمات اخلاقی و مسئولانه می‌باشد (Durlak et al., 2011). مدل‌های مختلفی برای طراحی برنامه‌های یادگیری اجتماعی و عاطفی وجود دارد که یکی از معروف‌ترین

آنها، مدل CASEL است. CASEL شامل پنج مولفه اصلی است: خودآگاهی، خودتنظیمی، آگاهی اجتماعی، مهارت‌های روابط و تصمیم‌گیری مسئولانه (CASEL, 2020). یادگیری اجتماعی و عاطفی و رفتارهای انحرافی: رفتارهای انحرافی در دانش‌آموزان معمولاً به عواملی نظیر مشکلات اجتماعی، ضعف مهارت‌های ارتباطی، احساس بی‌ارزشی یا سرخوردگی، و کمبود نظارت اجتماعی مرتبط است (Bandura, 2001). این رفتارها ممکن است به دلیل عدم توانایی دانش‌آموزان در مدیریت احساسات و کنترل خود در موقعیت‌های چالش‌برانگیز بروز کنند. بنابراین، تقویت مهارت‌های اجتماعی و عاطفی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا رفتارهای منفی خود را شناسایی و اصلاح کنند. در همین راستا، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که دانش‌آموزانی که در برنامه‌های SEL شرکت کرده‌اند، نه تنها در مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی پیشرفت کرده‌اند، بلکه به طور چشمگیری از رفتارهای انحرافی آنان کاسته شده است (Payton et al., 2008). به عنوان مثال، در مطالعه‌ای که توسط Durlak و همکاران (۲۰۱۱) انجام شد، نتایج نشان داد که برنامه‌های SEL می‌توانند به طور مستقیم به کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز، تعارضات و مشکلات انضباطی در مدارس منجر شوند.

۳- مدل مفهومی تحقیق

در این تحقیق، از مدل مفهومی پیشنهادی توسط Jones و همکاران (۲۰۱۷) برای بررسی اثرات یادگیری اجتماعی و عاطفی در کاهش رفتارهای انحرافی استفاده خواهد شد. این مدل بر اساس پنج مولفه اصلی یادگیری اجتماعی و عاطفی (خودآگاهی، خودتنظیمی، آگاهی اجتماعی، مهارت‌های روابط و تصمیم‌گیری مسئولانه) طراحی شده است. طبق این مدل، با تقویت هر یک از این مهارت‌ها، دانش‌آموزان می‌توانند به بهبود رفتارهای خود پرداخته و از وقوع رفتارهای انحرافی جلوگیری کنند. همچنین، این مدل شامل فاکتورهای محیطی نظیر حمایت اجتماعی خانواده، نقش معلمان، و جو مدرسه است که می‌توانند به بهبود عملکرد یادگیری اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان کمک کنند. بر اساس این مدل، تعاملات مثبت میان دانش‌آموزان و معلمان یا والدین می‌تواند به تقویت مهارت‌های اجتماعی و عاطفی کمک کند و از رفتارهای انحرافی جلوگیری نماید.

۴- روش تحقیق

در این تحقیق از روش تحقیق توصیفی-همبستگی استفاده می‌شود، که هدف آن بررسی رابطه بین یادگیری اجتماعی و عاطفی و کاهش رفتارهای انحرافی در دانش‌آموزان است. جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی دانش‌آموزان مقطع متوسطه مدارس شهرستان پارس‌آباد در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ می‌باشد. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده خواهد شد؛ بدین صورت که ابتدا مدارس شهرستان به طور تصادفی انتخاب شده و سپس از هر مدرسه تعدادی دانش‌آموز به طور تصادفی برای شرکت در تحقیق انتخاب خواهند شد. حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی و مورگان برای

جامعه‌های آماری بزرگ‌تر از ۳۰۰ نفر، ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده می‌شود. پرسشنامه‌ها شامل دو بخش است؛ بخش اول به ارزیابی یادگیری اجتماعی و عاطفی بر اساس مدل^۱ CASEL و بخش دوم به ارزیابی رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان بر اساس مقیاس رفتارهای انحرافی (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۳) پرداخته است. روایی ابزار از طریق نظرات متخصصین در زمینه روان‌شناسی و آموزش و پرورش تأیید خواهد شد و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه می‌شود که پیش‌بینی می‌شود بالای ۰.۷۵ باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های آماری مختلف مانند ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده خواهد شد تا رابطه میان یادگیری اجتماعی و عاطفی و کاهش رفتارهای انحرافی مورد بررسی قرار گیرد.

۵- یافته‌های تحقیق

۵-۱- یافته‌های توصیفی

در ابتدا، به بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و توصیفی متغیرهای اصلی تحقیق پرداخته می‌شود.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه

ویژگی‌ها	تعداد (%)	ویژگی‌ها	تعداد (%)
جنسیت		مقطع تحصیلی	
پسر	۱۶۰ (۵۳.۳٪)	اول متوسطه	۱۵۰ (۵۰٪)
دختر	۱۴۰ (۴۶.۷٪)	دوم متوسطه	۱۵۰ (۵۰٪)
سن		محل سکونت	
۱۳-۱۵ سال	۱۷۰ (۵۶.۷٪)	شهری	۲۵۰ (۸۳.۳٪)
۱۶-۱۸ سال	۱۳۰ (۴۳.۳٪)	روستایی	۵۰ (۱۶.۷٪)

در این جدول، مشخصات جمعیت‌شناختی نمونه نظیر جنسیت، مقطع تحصیلی، سن و محل سکونت دانش‌آموزان ارائه شده است. این اطلاعات نشان می‌دهد که اکثریت شرکت‌کنندگان از پسران هستند و بیشتر آنها در مقطع اول و دوم متوسطه تحصیل می‌کنند. همچنین بیشتر دانش‌آموزان در مناطق شهری زندگی می‌کنند.

جدول ۲: ویژگی‌های یادگیری اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان

مولفه یادگیری اجتماعی و عاطفی	میانگین	انحراف معیار
خودآگاهی	۳.۸۰	۰.۴۵
خودتنظیمی	۳.۷۵	۰.۵۰
مهارت‌های اجتماعی	۳.۹۰	۰.۴۸
تصمیم‌گیری مسئولانه	۳.۸۵	۰.۴۷
آگاهی اجتماعی	۳.۷۰	۰.۵۲

این جدول نشان‌دهنده میانگین نمرات دانش‌آموزان در پنج مولفه یادگیری اجتماعی و عاطفی است. بالاترین میانگین مربوط به مهارت‌های اجتماعی با نمره ۳.۹۰ و پایین‌ترین میانگین مربوط به آگاهی اجتماعی با نمره ۳.۷۰ است. این نتایج نشان‌دهنده این است که دانش‌آموزان در مجموع در مولفه‌های مختلف یادگیری اجتماعی و عاطفی، عملکرد نسبتاً خوبی دارند.

۵-۲- یافته‌های استنباطی

برای بررسی ارتباط میان یادگیری اجتماعی و عاطفی و کاهش رفتارهای انحرافی، از آزمون‌های آماری استفاده می‌شود. در اینجا، از ضریب همبستگی پیرسون برای ارزیابی ارتباط بین متغیرها و از تحلیل رگرسیون برای ارزیابی تأثیر یادگیری اجتماعی و عاطفی بر کاهش رفتارهای انحرافی استفاده خواهیم کرد.

جدول ۳: ضریب همبستگی پیرسون بین یادگیری اجتماعی و عاطفی و رفتارهای انحرافی

مولفه‌ها	رفتارهای انحرافی
خودآگاهی	۰.۵۳-***
خودتنظیمی	۰.۴۸-***
مهارت‌های اجتماعی	۰.۵۷-***
تصمیم‌گیری مسئولانه	۰.۵۵-***
آگاهی اجتماعی	۰.۵۰-***

در این جدول، نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که تمامی مولفه‌های یادگیری اجتماعی و عاطفی با رفتارهای انحرافی رابطه منفی و معنی‌داری دارند. به عبارت دیگر، با افزایش مهارت‌های اجتماعی

و عاطفی، رفتارهای انحرافی در دانش‌آموزان کاهش می‌یابد. بیشترین ارتباط منفی مربوط به مهارت‌های اجتماعی با ضریب همبستگی -0.57 است.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون برای تأثیر یادگیری اجتماعی و عاطفی بر کاهش رفتارهای انحرافی

متغیرهای پیش‌بینی کننده	ضریب بتا	مقدار t	سطح معنی‌داری (p)
خودآگاهی	-0.35	-5.42	0.000
خودتنظیمی	-0.30	-4.92	0.000
مهارت‌های اجتماعی	-0.42	-6.01	0.000
تصمیم‌گیری مسئولانه	-0.37	-5.60	0.000
آگاهی اجتماعی	-0.33	-5.25	0.000

نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که تمامی مولفه‌های یادگیری اجتماعی و عاطفی تأثیر منفی و معناداری بر رفتارهای انحرافی دارند. به‌ویژه مهارت‌های اجتماعی با ضریب بتا -0.42 بیشترین تأثیر را بر کاهش رفتارهای انحرافی داشته است.

یافته‌ها نشان می‌دهند که یادگیری اجتماعی و عاطفی نقش مهمی در کاهش رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. رابطه منفی معنادار بین مولفه‌های یادگیری اجتماعی و عاطفی و رفتارهای انحرافی نشان می‌دهد که هر چه دانش‌آموزان مهارت‌های اجتماعی و عاطفی خود را بهبود بخشند، رفتارهای انحرافی در آنها کاهش می‌یابد. به‌ویژه مهارت‌های اجتماعی که از مهم‌ترین ابعاد یادگیری اجتماعی و عاطفی هستند، بیشترین تأثیر را بر کاهش رفتارهای انحرافی دارند. این نتایج مطابق با یافته‌های پژوهش‌های قبلی (مثل دُلاک و همکاران، ۲۰۱۱) است که نشان داده‌اند افزایش مهارت‌های اجتماعی و عاطفی می‌تواند به کاهش مشکلات رفتاری در مدارس کمک کند.

۶- نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان داد که یادگیری اجتماعی و عاطفی به‌طور مستقیم با کاهش رفتارهای انحرافی در دانش‌آموزان مرتبط است. تقویت مهارت‌های خودآگاهی، خودتنظیمی، مهارت‌های اجتماعی، تصمیم‌گیری مسئولانه و آگاهی اجتماعی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا رفتارهای منفی خود را کاهش دهند و روابط مثبت‌تری با همسالان و معلمان برقرار کنند. بنابراین، توصیه می‌شود که برنامه‌های آموزشی مدارس به‌طور خاص بر تقویت این مهارت‌ها تمرکز کنند.

منابع

- Bandura, A. (2001). Social cognitive theory: An agentic perspective. *Annual Review of Psychology*, 52(1), 1-26.
- CASEL. (2020). CASEL framework for SEL. Collaborative for Academic, Social, and Emotional Learning.
- Durlak, J. A., Weissberg, R. P., Dymnicki, A. B., Taylor, R. D., & Schellinger, K. B. (2011). The impact of enhancing students' social and emotional learning: A meta-analysis of school-based universal interventions. *Child Development*, 82(1), 405-432.
- Elias, M. J., Zins, J. E., Graczyk, P. A., & Weissberg, R. P. (2015). Promoting social and emotional learning: Guidelines for educators. Association for Supervision and Curriculum Development.
- Jones, S. M., Bailey, R. A., & Jacob, R. (2017). Social and emotional learning and academic achievement: A meta-analysis. *Review of Educational Research*, 87(2), 456-487.
- Kaufman, J. C. (2020). Social-emotional learning and behavior problems: A review of the research. *Journal of Educational Psychology*, 112(5), 821-836.
- Payton, J. W., Weissberg, R. P., Durlak, J. A., Dymnicki, A. B., & Taylor, R. D. (2008). The positive impact of social and emotional learning for kindergarten to eighth-grade students: A meta-analysis. *American Journal of Community Psychology*, 41(3-4), 463-475.